



## حسن ابراهیمزاده

تحولات جهانی در چند سال اخیر، به قدری سریع و غیرقابل پیش‌بینی رخ می‌دهد که حتی قوی‌ترین دستگاه‌های جاسوسی دنیا هم از رصد برخی رویدادهای آن عاجزند، تحولات جهانی گاهی چنان پیچیده و غامضند که اندیشمندان و تحلیل‌گران عرصه سیاست و بین‌الملل از داده‌های درست هم به تحلیل و نتیجه‌ای درست نمی‌رسد، گویی رخدادها رنگ بازار بورس و طلا و نفت را به خود گرفته و تحلیل‌گران هر لحظه با نگاه به مانیتورها و شبکه‌های اجتماعی، و اخبار جنبش‌های دینی و اجتماعی و حتی تغییر جغرافیای سیاسی کشورها را در تحولات آینده دخیل و باز با احتیاط و استخدام واژه‌هایی چون - «گویا»، «به نظر می‌رسد»، «ممکن است» قلم خود را آغاز می‌کنند.

بی‌شک مهم‌ترین و یا یکی از کلیدی‌ترین عنصری که به تحولات جهانی شتاب داده است انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۳۵۷ است که معادلات جهانی و به دنبال آن محاسبات تحلیل‌گران را در طی چهار دهه در هم شکست و امروز جهان را به نقطه‌ای رسانده است که چشم همه تحلیل‌گران جهانی را معطوف به تحلیل رهبری می‌کند که در تهران و در حسینیه امام خمینی (ره) لب به سخن می‌گشایند.

شاید آن روزی که امام خمینی (ره) انقلاب اسلامی را چه در ماهیت و چه در شکل‌گیری و استمرار آن، متفاوت از همه‌ی انقلاب‌های جهان خواندند، کمتر تحلیل‌گری فردایی را برای این انقلاب متصور می‌شد تا چه رسد به روزی که نگاه آنان برای درک درست از تحولات جهانی به این انقلاب، معطوف شود.

گذر زمان، نگاه امام به این انقلاب را به اثبات رساند، ایرانی که روزی ژنرال آمریکا در منطقه به شمار می‌رفت، از محور غرب جدا شد و همه‌ی دیسیسه‌ها و توطئه‌های نظام سلطه نتوانست آن را مجبور به تسلیم در برابر غرب و یا متصل شدن به محور شرق کند؛ همین مسئله به تنهایی کافی بود که انقلاب اسلامی در گام

## اینجا به امید قبسی می‌آیند

# نگاهی به جایگاه ایران

اول، اولین شگفتی و اولین نقش‌آفرینی را برای انقلاب در تحولات آینده جهانی به اثبات رساند. نظام سلطه برای خارج کردن انقلاب اسلامی از معادلات جهانی و جلوگیری از تأثیرگذاری آن بر منطقه و جهان تمام برگ‌های خود را رو کرد.

در کنار تحریم اقتصادی، تحمیل جنگ و سازمان‌دهی کودتا و شعله‌ور کردن شورش‌های قومی و خیابانی با تشکل شورای همکاری خلیج فارس و ایجاد پایگاه‌های نظامی در اطراف ایران در ایجاد موازنه در برابر آن تلاش برای چهره‌سازی برای موازی‌سازی در مقابل رهبری نظام و اصل ولایت فقیه هم در دستور کار خود قرار داد تا شاید انقلاب و پیام آن را در مرزهای خود متوقف کند، اما انقلاب اسلامی در گام نخست خود با وجود همه اهرم‌های مهار و فشارها و محدودیت‌های بین‌المللی و رسانه‌ای چنان در عرصه‌ی منطقه‌ای و بین‌المللی، تحولات جهانی را تحت تأثیر خود قرار داد که امروز صدای خرد شدن استخوان‌های لیبرالیسم نیز چون کمونیسیم به گوش می‌رسد تا جایی که نظریات لیبرالیسم نیز هم‌چون نظرات مارکس و لنین به موزه‌ی تاریخ پیوست.



## ان در تحولات آینده

از خلبان بوئینگ تا کارگر ساده پالایشگاه نفت تنها اعتماد به امامی دارند که منشأ همه‌ی تحولات مادی و انسانی را خدا می‌خواند، او در پایان سلسله مقالات کوتاه خود از مشاهدات خیابانی خود از ایران و قبل از تبدیل نهضت دینی و ملی ایران به یک انقلاب جهانی به نکته‌ای اشاره کرد که تحلیل‌گران امروز به عمق آن در تحولات کنونی جهان پی می‌برند. او می‌نویسد: «... وقتی از ایران آمدم سؤالی که همه از من می‌کردند این بود: «این انقلاب است؟» (فقط به این قیمت است که در فرانسه آرای عمومی، یک‌صدا، به چیزی که «داخلی» نباشد علاقه‌مند می‌شود) من جوابی نمی‌دادم، اما دلم می‌خواست بگویم: نه، به معنی ظاهری کلمه، انقلاب نیست؛ یعنی نوعی از جا برخاستن و برپا ایستادن نیست، قیام انسان‌های دست خالی است که می‌خواهند باری را که بر پشت همه‌ی ما و به‌ویژه بر پشت ایشان، بر پشت این کارگران نفت، این کشاورزان مرزهای میان امپراطوری‌ها، سنگینی می‌کند از میان بردارند: بار نظم جهانی راه، شاید این نخستین قیام بزرگ بر ضد نظام‌های جهانی باشد، مدرن‌ترین و دیوانه‌وارترین صورت شورش. درماندگی آدم‌های سیاسی قابل درک است.»

امروز ایران اسلامی به برکت انقلاب اسلامی نه تنها یک معادله‌ی قدرتمند در سطح منطقه و جهان است بلکه قبله‌ی همه‌ی محرومان و آزادگانی است که طعم شلاق نظام‌های کمونیستی و لیبرال دموکراسی را چشیده‌اند.

امروز قبسی که به دست امام و انقلاب برافروخته شد و به دست توانای خلف صالح او، مرزها را درنوردید، از محدوده کشمیر تا نیجریه فراتر رفته است. این قیس نه فقط منبع نور و الهام در عرصه‌ی نظر و عمل در ایران و جهان است بلکه روشنی‌بخش هر تحولی است در هر نقطه‌ای از دنیا که توسط هر نژاد و قوم و مذهبی صورت می‌گیرد.

زآتش وادی ایمن نه منم خرم و بس  
موسی آنجا به امید قبسی می‌آید.

از این‌رو فوکویاما و هانتینگتون هم به دنبال بازنگری در تحلیل‌های دیروز خود برآمده‌اند و به همان اندازه نیز مرکب قلم‌های اندیشه‌ورزان شرق و غرب در حوزه‌ی نظر خشک شده و پوتین‌های ماشین جنگی‌شان در گل فرو رفته است. امروز غرب رو به اضمحلال سخن از ضربه مغزی شدن سربازان خود در اوکراین و عراق و سرزمین‌های اشغالی در عرصه‌ی میدان می‌زند!

امروز درهم شکسته شدن هیمنه آمریکا و رژیم اشغالگر صهیونیستی در عملیات طوفان الاقصی و فروریختن مجسمه‌ی دروغین حمایت از حقوق بشر با چشم‌پوشی‌های غرب و غرب‌گرایان از جنایات وحشیانه صهیونیست‌ها در غزه تحولات جهانی وارد مدار جدیدی کرده است که نقطه‌ی کانون آن اسم مقدس «الله» و شعار «الله‌اکبر» و «حسبی‌الله» است، همان واژه که مردم ایران اسلامی در سال ۱۳۵۷ فریاد زدند و نظریه‌پردازانی چون میشل فوکو را وادار به مسافرت به ایران کرد و کتاب «ایرانی‌ها چه رؤیایی در سر می‌پروراندند» را به رشته تحریر درآورد و از انقلابی سخن گفت که